

# بررسی کیفی طرحواره‌های جنسیت و انتظارات از نقش همسر آسیب‌زنده به ازدواج

آسیب شریعتمدار<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۳/۵/۱۴

تاریخ وصول: ۹۳/۱/۲۲

## چکیده

پویایی‌های مؤثر بر شکل‌گیری فرد به رشد هویت و سبک شخصیتی می‌انجامد که به نوبه‌ی خود بر شیوه‌ای که فرد با دیگران ارتباط برقرار می‌کند تاثیر می‌گذارد. هدف این تحقیق بررسی کیفی طرحواره‌های جنسیتی و انتظارات از نقش همسر آسیب‌زنده به ازدواج است. روش این پژوهش کیفی است. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسش‌ها استفاده شده است. با کدگذاری و طبقه‌بندی کلمات، عبارات و جملات، مفاهیم و طرحواره‌ها شناسایی شد. آزمودنی‌ها ۲۵ نفر از دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه علامه و دانشگاه علم و فرهنگ در سال تحصیلی ۹۱ و ۹۲ بودند. نتایج پژوهش نشان داد که آزمودنی‌ها در فراقنی افکار خود بر موضوع ازدواج طرحواره‌ی ناسازگار متعددی نشان داده‌اند. تلقی از مرد به عنوان قدرت‌ما فوق، و از زن به عنوان بازنده و از اقتضائات زندگی به عنوان عاملی طاقت‌فرسا برای زن، انتظارات غیر واقع‌بینانه (از خود و دیگری) و انتظار ویژگی‌های آرمانی از دیگری (بدون توجه به نقش خود) به رابطه آسیب می‌زند. اما از آجا که افزایش آگاهی از کلیشه‌سازی‌ها موجب تغییر در تصوراتی قالبی می‌شود، مشاوران ازدواج باید در مورد این طرحواره‌ها به مراجعان خود آگاهی دهند.

**واژگان کلیدی:** طرحواره‌های جنسیت، انتظارات از نقش همسر، آسیب‌شناسی ازدواج،

کلیشه‌سازی جنسیتی.

---

<sup>۱</sup> استاد یار دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول) s\_shariatmadar@yahoo.com

## مقدمه

نهاد خانواده در سراسر تاریخ ثبت شده، جهانی بوده است (استرانگ<sup>۱</sup> و کوهن<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳). خانواده با ازدواج یک زن و مرد بنا می‌شود. افراد در جامعه‌ی امروزی برای ازدواج سه دلیل دارند: عشق، هم‌نشینی و با هم بودن و تحقق انتظارات (برنشتاین و برنشتاین، ۱۳۷۷). از آن‌جا که این پیوند دائمی و مستلزم روابط نزدیک و صمیمانه است، بروز تعارضاتی که در اثر برآورده نشدن انتظارات طرفین لاینحل باقی مانده و مزمن می‌شود، طبیعی است. به همین خاطر متخصصان این حوزه یعنی زوج درمانگران، برای حفظ سلامت آن تلاش‌های مختلفی می‌کنند. درمانگران و پژوهشگرانی که به درک روابط صمیمانه‌ای چون ازواج علاقه مندند، با این چالش روبه رو می‌شوند که باید هم تعاملات رفتاری بین فردی را که بین دو فرد رخ می‌دهد، به حساب آورند و هم تجارب شناختی و عاطفی درون فردی را در نظر بگیرند (بیوکام<sup>۳</sup> و اپستاین<sup>۴</sup>، ۱۹۹۰). پویایی‌های مؤثر بر شکل‌گیری فرد به رشد هویت و سبک شخصیتی می‌انجامد که این به نوبه‌ی خود مستقیماً بر شیوه‌ای که فرد با دیگران ارتباط برقرار می‌کند تأثیر می‌گذارد (ویکس<sup>۵</sup>، ۱۹۸۹). سگر<sup>۶</sup> (۱۹۷۶) در معرفی نحوه‌ی شکل‌گیری سبک‌های شخصیتی و نشان دادن تعامل آن‌ها با روابط زوجین سهم عمده‌ای دارد. بررسی‌های او در مورد سبک‌های شریک زندگی معادل و موازی، عاطفی، منطقی، عاشقانه، کودکانه و والدینی راهنمایی‌های مفیدی برای درمانگرانی که می‌خواهند نظریه‌های شخصیت را با نظریه‌های ازدواج و مشاوره بیامیزند کمک‌شایانی کرده است. زوج درمانگر باید در مورد آسیب‌شناسی فردی دانش کافی داشته باشد تا بتواند از موضوعات مهمی که بر رابطه‌ی زناشویی تأثیری جدی می‌گذارد، آگاه شود (ویکس، ۱۹۸۹).

نظریه‌ی طرحواره‌ی جنسیت، مفهوم جنسیت را به عنوان مجموعه‌ای از افکار مربوط به جنسیت و خود تعریف می‌کند. طرحواره چارچوب دانش کلی فرد درباره یک موضوع

- 
- 1 Strong, B.
  - 2 Chohen, T.
  - 3 Baucom, D. H.
  - 4 Opstien, N.
  - 5 Weeks, G. R.
  - 6 Sager, C. J.

خاص است. الگو یا چارچوب سازمان دهنده ای است که در هنگام برخورد افراد با مجموعه ی پیچیده ای از تجارب و محرک ها، نظمی میان آن ها برقرار می کند. بنابراین طرحواره ها احساس ثبات شناختی در دنیایی قابل پیش بینی (در صورتی که قابل کنترل نباشد) ایجاد می کنند (رافائلی<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۱). بارلت<sup>۲</sup> (۱۹۳۲) که اولین بار این اصطلاح را به کار برد، نقش طرحواره ها را در یادگیری اطلاعات جدید و یادآوری خاطرات نشان داد (به نقل از اورتلیب<sup>۳</sup> و چیک<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲). مفهوم جنسیت از طریق تعامل های پیچیده ما در محیط های متفاوتی که در آن طرحواره ها را می آفرینیم، آن ها را بازسازی می کنیم و تلاش می کنیم تا جهان اطراف خود و جایگاه خود را در جهان شناسایی کنیم، شکل می گیرد (کان<sup>۵</sup>، ۲۰۰۹). طرحواره های نقش جنسیتی مجموعه ای از تداعی های مرتبط با جنسیت است که زمینه اصلی پردازش اطلاعات را براساس جنسیت نشان می دهد (بم<sup>۶</sup>، ۱۹۸۳). بر مبنای فرض های نظریه ی پردازش اطلاعات و طرحواره ی جنسیتی، اهمیت طرحواره ی جنسیت برای تفسیر رویدادها بین افراد متفاوت است (بم، ۱۹۸۴). طرحواره جنسیتی ارتباط نزدیکی با خودپنداره دارد. به عقیده بم، افراد تا حدی طرحواره های جنسیتی مختلف دارند و این تغییر محتوی شاید نتیجه انواع اطلاعاتی است که فرد در خانواده و فرهنگ و جامعه در رابطه با جنسیت در سراسر دوران زندگی خود با آن مواجه شده است (خمسه ای، ۱۳۸۵). بعضی افراد جنسیت را به عنوان مهمترین طرحواره جهت ارزیابی جهان اطراف خود می بینند در حالی که دیگران ممکن است کمتر روی این طرحواره تمرکز داشته باشند (کان، ۲۰۰۹). اطلاعات طرحواره های جنسیتی از تعاملات ما در بافت فرهنگی هم نشئت می گیرد (بم، ۱۹۸۱). بنابراین نظام جنسیتی، ساختاری اجتماعی دارد و کلیشه های اجتماعی از طریق فرایند اجتماعی شدن و به وسیله ی شرطی سازی های اجتماعی، تقویت و

---

1 Rafeali, E.

2 Barlett

3 Ortlieb, E.

4 Cheek, E. H.

5 Kahn, J. S.

6 Bem,

الگودهی، رفتار جنسی بهنجار را برای زنان و مردان تعیین می‌کند (کرافورد<sup>۱</sup> و انگر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴). کلیشه‌های فرهنگی، مجموعه‌ای از باورهای مشترک فرهنگی درباره صفات شخصیتی و سایر ویژگیهای مردان و زنان است. تشکیل کلیشه‌های جنسیتی بازتاب طبیعی کاربرد طرحواره‌های جنسیتی است (بم، ۱۹۸۱). طرحواره‌های نقش جنسیتی، در دختران از سنین پایین شکل می‌گیرد و زنان به طور نافع‌ال برای سرنوشت جنسیتی خود برنامه‌ریزی می‌شوند (خمسه‌ای، ۱۳۸۴).

امروزه کودکان و نوجوانان در معرض الگوهای متنوع‌تر و حتی متضادی هستند. بنابراین ممکن است شکل‌گیری طرحواره‌های جنسیتی با مشکلاتی رو به رو شود. در کشور ما فرهنگ و سنت‌ها الگویی را ارائه می‌دهند اما رسانه‌ها به خصوص اینترنت و ماهواره‌ها الگوی دیگری به ویژه برای دختران عرضه می‌کنند. بر اساس این الگوها دختران به نقش‌های مادری و همسری توجه کمتری دارند، در حالی که شواهد بالینی هنوز هم الگوهای نافع‌ال بودن و پذیرنده بودن در زمینه‌های اقتصادی و عاطفی را نشان می‌دهند. این تغییرات مستقیماً بر روابط صمیمانه‌ی دراز مدت تأثیر می‌گذارد و می‌تواند خانواده‌های در حال شکل‌گیری را در معرض خطر قرار دهد.

آمارها نشان می‌دهند که نهاد ازدواج در معرض خطر جدی قرار گرفته است. سازمان ثبت احوال کشور آمار طلاق در سال ۸۹ را ۱۳۷۲۰۰ مورد ذکر کرده است. بیشترین آمار طلاق در سال ۹۰ و ۹۱ در سه استان تهران (به ترتیب ۳۱۶۴۰ و ۳۲۷۱۳)، خراسان جنوبی (۱۴۳۲۸، ۱۵۰۴۹) و فارس (۸۰۷۳ و ۷۴۶۴) مورد بوده است. تنها در مهر ماه سال ۱۳۹۲ در این سه استان به ترتیب ۱۵۴۶، ۹۴۵ و ۸۱۳ مورد طلاق ثبت شده است. تحقیقات زیادی برای تبیین و حل این معضل یا راه‌های حفظ و تقویت نهاد ازدواج صورت گرفته است. فتحی‌آشتیانی و احمدی (۱۳۸۳) ازدواج‌های موفق و ناموفق را بین دانشجویان بررسی کرده‌اند. محمدی (۱۳۸۳) تحقیقی در مورد طلاق و سهم زن از زندگی مشترک انجام داده است. باستانی و همکاران (۱۳۸۹) پژوهشی در مورد طلاق عاطفی و علل و شرایط میانجی آن انجام

1 Crawford, M.

2 Unger, R

داده اند. یوسفی و همکاران (۱۳۸۹) اثر بخشی آموزش مبتنی بر مدل طرحواره ها را در ارتقای رضایت زناشویی بررسی کرده‌اند. ذوالفقاری و همکاران (۱۳۸۷) پژوهشی در مورد رابطه‌ی بین طرحواره های ناسازگار اولیه با ابعاد صمیمیت زناشویی انجام داده و طرحواره های پیش بینی کننده‌ی عدم صمیمیت را تعیین کرده‌اند. اما تأثیر طرحواره‌ها و کلیشه سازی‌های جنسیتی بر ازدواج کمتر بررسی شده است. تحقیقاتی هم که تا به حال در مورد کلیشه سازی جنسیتی انجام شده‌اند، بیشتر مبتنی بر مفهوم تبعیض جنسیتی و القای این طرحواره‌ها از جانب اجتماع است. در حالی که پژوهش‌ها به این مسئله که خود فرد چقدر به وجود این طرحواره‌ها آگاه یا تداوم بخش این کلیشه سازی‌هاست، کمتر پرداخته‌اند. اهمیت این تحقیق در این است که افزایش آگاهی از این کلیشه سازی‌ها موجب تغییر در تصویرهای قالبی می‌شود (خسروی، سیف و عالی، ۱۳۸۶). بنابراین مشاوران می‌توانند در مورد این طرحواره‌ها به مراجعان خود آگاهی دهند. بنابراین سؤال این تحقیق این است که طرحواره‌های جنسیتی آسیب زنده به ازدواج چیست؟

### روش پژوهش

روش تحقیق مقاله‌ی حاضر، کیفی است. در این تحقیق اسناد، مدارک و نوشته‌ها حکم داده را دارند و از جمع آوری، طبقه بندی، ارزیابی، مقایسه و تحلیل آن‌ها، با استفاده از عقل و منطق و غور و اندیشه مدارک مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند تا محقق به کشف واقعیت نائل شود. آزمودنی‌های این تحقیق از دانشجویان کارشناسی ارشد رشته‌ی مشاوره دانشگاه علامه و روان شناسی خانواده‌ی دانشگاه علم و فرهنگ در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ و ۹۲-۹۳ بودند. تعداد افراد نمونه ۲۵ نفر بود. برای جمع آوری اطلاعات از شیوه‌ی فرافکنانه در پاسخ به سؤال "تخیلات، آرزوها، تصورات ذهنی و درک خود را در مورد ازدواج در سه دوره‌ی کودکی، نوجوانی و حال حاضر بنویسید" استفاده شده است. هدف محقق در این شیوه، درک تجربه‌ی واقعی فرد از طریق پدیدار شناسی است. محقق در این روش به جای سؤال از انگیزه‌ها و رفتارهای فرد، از پرسش‌های غیر مستقیم بهره گرفته است. چرا که مجرد برای پاسخ گویان، برخلاف آزمون‌های عینی (که تقریباً موضوع مشخص است) مبهم است و بنابراین به آزمودنی‌ها آزادی زیادی داده می‌شود و بی نهایت پاسخ پدید می‌آیند. پس از

جمع آوری اطلاعات، کار کد گذاری کلمات، عبارات و جملات به طور همزمان انجام شد. مواردی کد گذاری شد که به صورت یک طرفه شامل انتظارات غیر واقعی از طرف مقابل یا خود می‌شد. اگر نقش‌ها و ویژگی‌ها متقابل و معقول بوده‌اند، در طبقه بندی نیامده‌اند. هم‌چنین اطلاعات دوران کودکی و نوجوانی در صورتی که در حال حاضر اطلاعات متفاوتی ارائه نشده بود، کد گذاری و اگر اطلاعات جدیدی ارائه شده بود، اطلاعات کودکی کد گذاری نشد. سپس کدهایی که از نظر معنا و مفهوم یکی بودند در گروه‌های اختصاصی تر قرار گرفتند. با ادغام گروه‌ها، عناوین و طبقات کلی تر به دست آمد و در نهایت مفهوم سازی انجام شد.

### یافته‌ها

ابتدا برای آگاهی از دیدگاه‌های آزمودنی‌ها، نمایی کلی از عبارات مهم که در آن بار مفهومی طرح‌واره‌ی جنسیتی، باورهای آنان درباره صفات شخصیتی، سایر ویژگی‌ها و نقش‌های مردان و خودشان وجود دارد، طبقه بندی شده و فراوانی‌های هر طبقه ارائه شده است:

جدول ۱. طرح‌واره‌های جنسیتی

انواع طرح‌واره‌های جنسیتی	نمونه‌ی نقش‌ها یا ویژگی‌ها	تعداد	درصد
بدون طرح‌واره‌ی جنسیتی		۳	۱۲٪
نسبت دادن نقش و/یا ویژگی به مرد بدون ذکر نقش و ویژگی خود	۱- همراه- ۲- مالی و عاطفی/ایمان- ۳- همراه، قدرت، حمایت، برآوردن خواسته‌ها، تکیه‌گاه/ درک کننده، متفکر، باهوش- ۴- قدرت، ثروت- ۵- مسئول مسائل مادی/خود خواه- ۶- پرکننده‌ی تنهایی- ۷- درک، فرصت حرکت به دیگران بدهد، توجه به احساسات من- ۸- آراسته، مهربان، باهوش، با حیا- ۹- با ایمان، وفادار، شجاع، عاشق- ۱۰- تباه کننده	۱۰	۴۰٪
نسبت دادن نقش و ویژگی به خود بدون ذکر نقش مرد	رابطه‌ی مادری- وابستگی و رابطه‌ی عاطفی	۲	۸٪

		نسبت دادن
۰۸٪	۲	۱- زیبا، هیجان آور، نیازمند محافظت+ تکیه گاه، همراه ۲- منبع توجه و زیبایی+ تفریح، ثروت، وجهه، محبت
		نسبت دادن نقش ها و/یا ویژگی های زنانه+ ویژگی ها و/یا نقش های مردانه
۲۴٪	۶	۱- محبت به مرد/ نیازمند حمایت و درک شدن، وابسته به مرد+ ناامید کننده-۲- تربیت کننده ی نسل بعد+ نقش شغلی/ زرننگ، مهربان، زیبا، آسیب زننده-۳- همدلی و همراهی+ مالی/ دوست-۴- مسئولیت خانه+ محبت به زن-۵- حمایتگر+ مالی، قدرت و تکیه گاه بودن-۶- مهربانترین مادر+ قدرت، زیبایی، آرامش دهنده-
۰۴٪	۱	نا امید از ایفای نقش خود+ نقش یا ویژگی مرد
۰۴٪	۱	تلاش بی نتیجه برای راضی نگه داشتن مرد + متوقع
		اختلال در نقش جنسی
۰۴٪	۱	رفتارها و حتی ظاهر پسرانه داشتم، ازدواج یعنی آشنایی دو فرد(همجنس و غیر همجنس)
۱۰۰٪	۲۵	جمع کل

همان‌طور که در جدول بالا دیده می‌شود ۳ نفر یعنی ۱۲٪ کمتر روی این طرحواره تمرکز داشته‌اند. این طبقه با این اظهار نظر کان همسو است که: بعضی افراد جنسیت را به عنوان مهمترین طرحواره جهت ارزیابی جهان اطراف خود می‌بینند در حالی که دیگران ممکن است کمتر روی این طرحواره تمرکز داشته باشند(کان، ۲۰۰۹). ۶ نفر یعنی ۲۴٪ به نقش‌های متقابل اشاره کرده‌اند، در این دو دسته یعنی ۳۶٪ آزمودنی‌ها طرحواره‌ها آسیب زننده به رابطه نیستند. ۱۰ نفر یعنی ۴۰٪، از مردان انتظاراتی دارند در حالی که برای خود به نقش و ویژگی خاصی اشاره نکرده‌اند، این نشان می‌دهد که دختران و زنان به اندازه‌ای که از مردان متوقع هستند، بر نقش خود تمرکز ندارند. دو نفر به نقش مادری، وابستگی و رابطه‌ی عاطفی اشاره کرده اما برای مردان نقشی ذکر نکرده‌اند. یک نفر از ایفای نقش خود نا امید است و بالاخره یک نفر در نقش جنسی اختلال نشان می‌دهد و برای مرد هم نقشی ذکر نکرده است. بنابراین در ۶۴٪ آزمودنی‌ها طرحواره‌های آسیب زننده به رابطه یافت می‌شود. در جداول زیر عوامل مختلف آسیب زننده، به تفصیل طبقه بندی شده است:

جدول ۲. عوامل شناختی

کد	کد گذاری باز	محتوا و عبارات مهم	کد گذاری محوری	کد گذاری انتخابی
	به عهده گرفتن بار مسئولیت	مردی قدرتمند باشد تا بار مسئولیت را از دوشم بردارد، مهمتر از همه چیز وفاداری و تعهد و مسئولیت نسبت به من داشته باشد	انتظارات نقش بالا از همسر (بدون توجه به نقش خود)	انتظارات بالا و تلقی از ازدواج به عنوان یک بحران برای زن
	وسيله ی رسیدن به آرزوها	من همه ی آرزوهایم را با هم در یک مرد ببینم		انتظارات بالا و تلقی از ازدواج به عنوان یک بحران برای زن
	ارضای نیازها	همیشه خواسته ها و نیازهای دیگران را بر طرف می کند	انتظار ویژگی های آرمان گرایانه از همسر (بدون ذکر ویژگی خود)	انتظارات بالا و تلقی از ازدواج به عنوان یک بحران برای زن
	توجه به خواسته های ناگفته ی من	هر وقت عصبانی می شوم متوجه شود چه می خواهم		انتظارات بالا و تلقی از ازدواج به عنوان یک بحران برای زن
	عدم بیان دردهای خود	دردهایش را کسی متوجه نمی شود		انتظارات بالا و تلقی از ازدواج به عنوان یک بحران برای زن
	پر توقع دارنده ی فرصت ها	کوهی از توقعات طرف مقابل را باید به دوش بکشی به دیگران فرصت حرکت و پیشرفت بدهد		انتظارات بالا و تلقی از ازدواج به عنوان یک بحران برای زن
	غیر قابل تصور	لرس از ازدواج به خاطر تصورات غیر قابل انتظار از مرد	قدرت ما فوق مرد	انتظارات بالا و تلقی از ازدواج به عنوان یک بحران برای زن
	دست نیافتنی	اگر همچنین آدمی پیدا نشد که نمی شود باید اصلا ازدواج نکنم، مرد ایده آل تقریباً آرمانی است و به دست نمی آید		انتظارات بالا و تلقی از ازدواج به عنوان یک بحران برای زن
	درخواست های متضاد از زن	مردان از زن مدرن بودن می خواهند ولی در روابط این پروسه به صورت سنتی در می آید		انتظارات بالا و تلقی از ازدواج به عنوان یک بحران برای زن
	سازش اجباری	باید سعی کنی خودت را با او وفق دهی، هر طور باشد باید با او کنار بیایی	بازنده بودن زن	انتظارات بالا و تلقی از ازدواج به عنوان یک بحران برای زن
	ناتوانی در جلب رضایت	هر چی سعی کنی طرفت را راضی نگه داری باز هم رضایت نمی شود		انتظارات بالا و تلقی از ازدواج به عنوان یک بحران برای زن

انتظارات بالا و تلقی از ازدواج به عنوان یک بحران برای زن و احساس بازنده بودن او در این بحران به رابطه آسیب می زند.





مشکلات پس از ازدواج	دیدن دست و پنجه نرم کردن با طلاق مرا بسیار سرد و سخت گیر کرده است، باید کمترین میزان اشتباه را داشته باشم
تردید و دودلی	یا باید یک ازدواج را تحمل کنم یا... اصلا ازدواج نکنم. بر سر دو راهی هستم
ناتوانی در مسئولیت پذیری	پذیرش نقش‌ها و مسئولیت‌های جدید برایم سخت است
تحمل اختلاف نظر	کلی اختلاف نظر را باید تحمل کنی، با روحیاتی که از خودم می‌شناسم آدم تحمل کردن نیستم
ازدواج به عنوان بحران	همین که عقد صورت می‌گیرد ازدواج می‌تواند یک بحران باشد، دشوارترین کار دنیا

در جدول بالا عوامل شناختی آسیب‌زنده به ازدواج طبقه‌بندی شده‌اند. البته طرحواره‌ها خود اساساً نوعی مفهوم شناختی تعریف می‌شوند. چرا که طرحواره به طرحی شناختی و انتزاعی گفته می‌شود که راهنمایی برای تفسیر اطلاعات و حل مسئله فراهم می‌کند. اما در این بررسی برای سهولت شناخت‌هایی که انتظارات مربوط به عواطف یا رفتارها و غیره را در بر می‌گیرند، جدا جدا طبقه‌بندی شده‌اند و آن‌ها که صرفاً دارای شناختی ناکارآمد در مورد ازدواج و رابطه‌ی زوجی هستند، در جدول بالا آمده‌اند. همان‌طور که در جدول بالا دیده می‌شود تعداد زیادی انتظارات از نقش و ویژگی آسیب‌زنده به رابطه دیده می‌شود. روی هم رفته عواملی چون انتظارات نقش بالا از همسر (بدون توجه به نقش خود)، انتظار ویژگی‌های آرمان‌گرایانه از همسر (بدون ذکر ویژگی خود)، تلقی مرد به عنوان قدرت‌ما فوق و زن به عنوان طرف‌بازنده و باور زن به این که اقتضائات زندگی طاقت‌فرسا هستند از ازدواج یک بحران می‌سازد و این بحران به رابطه آسیب می‌زند.

جدول ۳. عوامل عاطفی

کد گذاری باز	محتوا و عبارات مهم	کد گذاری محوری	کد گذاری انتخابی
همراه	همراهی همیشگی برایم باشد، یک نفر همیشه کنارت باشه	انتظارات نقش	انتظارات بسیار بالا برای دریافت عواطف از سوی مرد بدون توجه به سهم خود به رابطه آسیب می‌زند
آرامش بخش	آرزوی داشتن همسری که همیشه آرامش را به من بدهد	بالا از همسر (بدون توجه به نقش خود)	
تکیه گاه	کاش همسری داشتم که همیشه بتوانم به او تکیه کنم	نقش خود)	
توجه کننده	یه نفر که به تو توجه کند		
درک کننده	هم در کم باشد		
پذیرا، با محبت و عاشق	طرفم در بعد عاطفی قوی باشد، آنقدر دنیایش وسیع باشد که همه چیز در آن بکنجد، مرا همان طور که هستم دوست داشته باشد و غرق محبت کند، بودن کنار مردی عاشق، خیلی عاشقم باشد و خیلی به من محبت کند	انتظار ویژگی های آرمان گرایانه از همسر (بدون ذکر ویژگی خود)	
دوست، مهربان و صمیمی	انسانی مهربان و صمیمی باشد، آرزوی چنین مردی را داشتم که خیلی خوش قلب و مهربان باشد، قلبش برای همه باز است، فوق العاده مهربان، مهربان		
عدم حمایت	از همه ی مرد ها نا امید می شوم. کاش هیچ وقت یک زن به حمایت مرد نیاز نداشت	نسبت دادن ویژگی های منفی به همسر و ناامیدی از ایفای نقش او	
عدم همراهی	همیشه یک کفدار تنهایی با آدمهاست و تا مرگ همراهشان است		

در جدول بالا عوامل عاطفی آسیب زننده به ازدواج طبقه بندی شده اند. همان طور که در جدول بالا دیده می شود تعداد زیادی انتظارات از نقش و ویژگی آسیب زننده به رابطه دیده می شود. روی هم رفته عواملی چون انتظارات نقش بالا از همسر (بدون توجه به نقش خود)، انتظار ویژگی های آرمان گرایانه از همسر (بدون ذکر ویژگی خود)، نسبت دادن ویژگی های منفی به همسر و ناامیدی از ایفای نقش او عوامل عاطفی آسیب زننده به رابطه هستند.

جدول ۴. عوامل رفتاری

کد گذاری باز	محتوا و عبارات مهم	کد گذاری محوری	کد گذاری انتخابی
با پشتکار	در کارها مقاوم و با پشتکار باشد	انتظار ویژگی های آرمان گرایانه از همسر (بدون توجه به نقش خود)	انتظار غیر واقع بینانه (از خود و دیگری) و ویژگی های آرمانی از دیگری (بدون توجه به نقش خود)
سرسخت	همسرم باید سرسخت باشد	ناامیدی از ایفای نقش خود یا همسر	
سختی پذیرش نقش های خود	پذیرش نقش ها و مسئولیت های جدید و کارهای خانه برایم سخت است	نسبت دادن ویژگی های منفی به همسر	
نادیده گرفتن آرزوهای خود	وقتی وارد رابطه ی عاطفی می شوم خیلی از آرزوهایم نادیده می گیرم		
خشونت همسر	وقتی با هم بازی می کردیم، موهامو می کشید (در کودکی)		
طرد شدن توسط همسر	همیشه از این که از طرف همسرم طرد شوم می ترسم		
ایفای نقش جنس مخالف	بیشتر رفتارهایی در قالب پسرانه از خود نشان می دادم	اختلال در نقش جنسی	

در جدول بالا عوامل رفتاری آسیب زننده به ازدواج طبقه بندی شده اند. روی هم رفته عوامل رفتاری آسیب زننده به رابطه عبارتند از: انتظار ویژگی های آرمان گرایانه از همسر (بدون توجه به نقش خود)، ناامیدی از ایفای نقش خود یا همسر، نسبت دادن ویژگی های منفی به همسر و اختلال در نقش جنسی.

جدول ۵. عوامل مادی

کد گذاری باز	محتوا و عبارات مهم	کد گذاری محوری	کد گذاری انتخابی
جنبه های مالی - اقتصادی	خونه، ماشین و زندگی مرفه، وضعیت مالی نقش خیلی بزرگی در داشتن زندگی آروم داره، اهل کار	انتظارات بالای مربوط به نقش های همسر (بدون توجه به نقش خود)	انتظارات غیر واقع بینانه از خود و دیگری (بدون توجه به نقش خود در رابطه) در زمینه ی مسائل مادی به رابطه آسیب می زند

تفریحات	ماهی یک بار به سفر دور ایران و دیگر کشورها بگردیم
موقعیت اجتماعی	شغل مقبول، پرستیژ اجتماعی
پیشرفت	با انگیزه ی پیشرفت بالا
زیبایی و جذابیت	ظاهری مناسب، مرد جذاب و زیبا
همسر	انتظار ویژگی های آرمان گرایانه از همسر (بدون ذکر ویژگی خود)
توجه دائم همسر به زیبایی زن	از بین هزاران زن زیبا مرا انتخاب کند و هرگز حاضر نباشد مرا جایگزین کند
احساس ناتوانی در زندگی	خرید عروسی و جهیزیه و کم و زیاده‌ها که همه اش می تواند باعث جر و بحث شود
عدم پذیرش نقش جنسی	مسائل جنسی زیاد برایم قابل هضم نیست
ایفای نقش جنس مخالف	اختلال در نقش جنسی حتی ظاهری پسرانه داشتم

در جدول بالا عوامل مادی آسیب زننده به ازدواج طبقه بندی شده‌اند. روی هم رفته این عوامل آسیب زننده به رابطه عبارتند از: انتظارات بالای مربوط به نقش های همسر (بدون توجه به نقش خود) انتظار ویژگی های آرمان گرایانه از همسر (بدون توجه به نقش خود)، نا امیدي از ایفای نقش خود یا همسر و اختلال در نقش جنسی.

جدول ۶. عوامل معنوی

کد گذاری باز	محتوا و عبارات مهم	کد گذاری محوری	کد گذاری انتخابی
کمک کننده به معنویت	بیشترین انتظارم داشتن یک رابطه‌ی محبت آمیزه که در آن در زمینه‌ی معنوی تکامل پیدا کنم، سعیش بهتر شدن بعد معنویت باشد و در این زمینه به من کمک کند	انتظارات نقش از همسر (بدون توجه به نقش خود)	انتظار نقش و ویژگی‌های آرمانی از دیگری (بدون توجه به نقش خود)
اخلاق حسنه	چیزی که برایم مهم است، اخلاق حسنه است		در رابطه (در زمینه‌ی معنوی به رابطه آسیب می‌زند)
مؤمن و معتقد	اعتقاد و ایمان طرف مقابلم	انتظار ویژگی‌های آرمان گرایانه از همسر (بدون ذکر ویژگی خود)	
با حیا و فداکار	با حیا باشد صبور و فداکار باشد		
ثابت قدم	پای عقایدش می‌ایستد و ثابت قدم باشد		
توکل	توکلش زیباست		
متواضع	متواضع باشد		

در جدول بالا عوامل معنوی آسیب زنده به ازدواج طبقه بندی شده اند. روی هم رفته انتظارات معنوی آسیب زنده به رابطه عبارتند از: انتظارات بالا از نقش همسر (بدون توجه به نقش خود) و انتظار ویژگی‌های آرمان گرایانه از همسر (بدون ذکر ویژگی خود).

### بحث و نتیجه‌گیری

طرحواره‌های به دست آمده در این بررسی کیفی در بعد شناختی عبارتند از: انتظارات نقش بالا از همسر (بدون توجه به نقش خود)، انتظار ویژگی‌های آرمان گرایانه از همسر (بدون ذکر ویژگی خود)، تلقی از مرد به عنوان قدرت ما فوق، و زن به عنوان بازنده، و اقتضانات زندگی به عنوان عاملی طاقت فرسای برای زن، مواردی هستند که در این بعد کد گذاری شده‌اند. روی هم رفته انتظارات بالا و تلقی از ازدواج به عنوان یک بحران برای زن و احساس بازنده بودن او در این بحران به رابطه آسیب می‌زند. در عوامل عاطفی انتظارات نقش بالا از

همسر(بدون توجه به نقش خود)، انتظار ویژگی‌های آرمان‌گرایانه از همسر(بدون ذکر ویژگی خود)، نسبت دادن ویژگی‌های منفی به همسر و ناامیدی از ایفای نقش او مواردی هستند که در این بعد کد‌گذاری شده‌اند. روی هم رفته در بعد عاطفی انتظارات بسیار بالا برای دریافت عواطف از سوی مرد بدون توجه به سهم خود به رابطه آسیب می‌زند. در عوامل رفتاری انتظار ویژگی‌های آرمان‌گرایانه از همسر(بدون توجه به نقش خود)، ناامیدی از ایفای نقش خود یا همسر، نسبت دادن ویژگی‌های منفی به همسر و اختلال در نقش جنسی مواردی هستند که در این بعد کد‌گذاری شده‌اند. روی هم رفته انتظارات غیر واقع‌بینانه (از خود و دیگری) و انتظار ویژگی‌های آرمانی از دیگری(بدون توجه به نقش خود در رابطه) در زمینه‌ی رفتاری به رابطه آسیب می‌زند. اگر تعداد طبقات در این بعد کمتر است به این دلیل نیست که آسیب‌های کمتری در این حوزه وجود دارد. بلکه به این دلیل است که پاسخ‌گویان در مورد زندگی مشترک کمتر تفکر واقع‌گرایانه دارند و کمتر درگیر واقعیت‌های زندگی هستند. در عوامل مادی انتظارات بالای مربوط به نقش‌های همسر(بدون توجه به نقش خود)، انتظار ویژگی‌های آرمان‌گرایانه از همسر(بدون ذکر ویژگی خود)، ناامیدی از ایفای نقش خود یا همسر و اختلال در نقش جنسی مواردی هستند که در این بعد کد‌گذاری شده‌اند. روی هم رفته، انتظارات غیر واقع‌بینانه از خود و دیگری(بدون توجه به نقش خود در رابطه) در زمینه‌ی مسائل مادی به رابطه آسیب می‌زند. در عامل معنوی انتظارات نقش از همسر(بدون توجه به نقش خود)، انتظار ویژگی‌های آرمان‌گرایانه از همسر(بدون ذکر ویژگی خود) مواردی هستند که در این بعد کد‌گذاری شده‌اند. روی هم رفته انتظار نقش و ویژگی‌های آرمانی از دیگری(بدون توجه به نقش و ویژگی خود در رابطه) در زمینه‌ی معنوی به رابطه آسیب می‌زند. اگر تعداد طبقات در این بعد کمتر است به این دلیل نیست که آسیب‌های کمتری در این حوزه وجود دارد. بلکه به این دلیل است که پاسخ‌گویان کمتر به عوامل معنوی توجه کرده‌اند.

طرحواره یا ساخت‌های شناختی ذخیره شده در حافظه که باز‌نمایی‌هایی انتزاعی از رویدادها، اشیاء و روابط در دنیای واقعی است، عنصر اساسی رویکردهای شناختی به پدیدهای روانی است. طبق نظر طرحواره‌ی جنسیت، کودک علاوه بر یادگیری مفاهیم و

رفتارهایی که در یک فرهنگ وابسته به جنسیت شناخته می‌شوند، ممکن است یاد بگیرد که اطلاعات بسیار متنوعی را نیز در چارچوب طرحواره‌ی جنسیت پردازش کند. یعنی بیاموزد که جهان را بر حسب تمایز بین زن و مرد سازمان دهد. تصورات قالبی ممکن است چنان ظریف باشند که ما از وجودشان بی‌خبر باشیم. (احمدوند، ۱۳۸۳). اما افزایش آگاهی موجب تغییر در تصوره‌های قالبی می‌شود (خسروی، سیف و عالی، ۱۳۸۶). تحقیقاتی که تا به حال در مورد کلیشه‌سازی جنسیتی انجام شده‌اند، بیشتر مبتنی بر مفهوم تبعیض جنسیتی و القای این طرحواره‌ها از جانب اجتماع است. مثلاً احمدوند (۱۳۸۳) نشان داده است که تنها ۸٪ مردان قائل به توانایی مدیریت زنان بوده‌اند و ۸۰٪ زنان را احساساتی و ۷۷٪ ترسو بودن را خاص زنان دانسته‌اند. در حالی که پژوهش‌ها به این مسئله که خود فرد چقدر به وجود این طرحواره‌ها آگاه یا تداوم بخش این کلیشه‌سازی‌هاست، کمتر پرداخته‌اند. در تحقیق حاضر نشان داده شده است که خود زنان و دختران نیز به نوعی این کلیشه‌سازی‌ها را پذیرفته‌اند و خود را به عنوان جنسی ضعیف، منفعل و نیازمند تلقی می‌کنند که انتظار دارد همسر نیازهای او را تمام و کمال برآورده کند.

همان‌طور که در جدول ۱ نشان داده شده است، ۴۰٪ از پاسخگویان بدون ذکر نقشی برای خود از همسرانشان انتظارات بالایی دارند. این یافته احتمالاً نشانگر طرحواره‌ی بنیادین بزرگ منشی / استحقاق است که یانگ در طرحواره‌های ناسازگار به آن اشاره می‌کند. وقتی کودک چیزهای خوب را بسیار زیاد به دست می‌آورد، طرحواره‌های وابستگی / عدم صلاحیت یا مستحق بودن / بزرگ منشی شکل می‌گیرد. در این مورد مثلاً هرگز با کودک بدرفتاری نمی‌شود و کودک بیشتر نازپروره می‌شود یا با خواسته‌های او مخالفت نمی‌شود و در نتیجه نیاز کودک به استقلال و محدودیت‌های واقع‌گرایانه برآورده نمی‌شود. والدین در زندگی کودک بیش از حد درگیر می‌شوند و او را زیاد حمایت می‌کنند یا به او آزادی و خود مختاری زیادی می‌دهند بدون این که محدودیت‌هایی ایجاد کنند. (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳؛ رافائلی و همکاران، ۲۰۱۱). این طرحواره می‌تواند مشکلاتی را در زندگی زناشویی پیش بینی کند. این یافته نشانگر آن است که اگر چه انتظارات از نقش مرد تغییر کرده اما هنوز کلیشه‌های فرهنگی منفعل و پذیرنده بودن دختران و زنان تغییری نکرده است.

این یافته با یافته‌ی خمسه‌ای (۱۳۸۴) مبنی بر این که "طرحواره‌های نقش جنسیتی، در دختران از سنین پایین شکل می‌گیرد و زنان به طور نافع‌ال برای سرنوشت جنسیتی خود برنامه‌ریزی می‌شوند"، همسو است.

تفسیر دیگر این داده این است که این یافته می‌تواند نشانگر طرحواره‌ی زیر بنایی محرومیت هیجانی باشد که فرد برای جبران افراطی آن به صورت مستحق بودن توجه زیاد واکنش نشان می‌دهد. گاهی جبران افراطی احساس‌های محرومیت هیجانی به صورت خود شیفتگی بروز می‌کند. به این خود شیفتگی حق به جانب بودن شکننده گفته می‌شود. این افراد به سبکی رفتار می‌کنند که انگار کاملاً محق هستند محرومیت هیجانی خود را به نحو افراطی جبران کنند. این افراد در دوران کودکی در عین حال که محروم بوده‌اند، گاه بیش از حد ارضا شده‌اند. این‌ها به نحوی پرورش یافته‌اند که فکر می‌کنند بسیار مهم هستند و تمامی تقاضاهای آن‌ها باید برآورده شود (صلواتی و یزدان دوست، ۱۳۸۹). به نظر می‌رسد نیاز این افراد به مراقبت و حمایت بیش از حد برآورده شده اما از نظر همدلی تشنه هستند. والدین با نظارت زیاد بر کارهای فرزندان، در واقع آنان را از حس همدلی و پذیرش محروم می‌کنند. آسیب دیگر مربوط به ناامیدی از ایفای نقش خود است. این یافته می‌تواند به خاطر این باشد که دختران و زنان کلیشه‌سازی‌های عدم توانایی مدیریتی، ترسو بودن و احساساتی بودن (احمدوند، ۱۳۸۳) خود را پذیرفته‌اند. همچنین منفی‌گرایی و ناامیدی از ایفای نقش خود و همسر می‌تواند نشانگر حوزه‌ی طرحواره‌های زیر بنایی ناسازگار گوش به زنگی بیش از حد و بازداری باشد. این طرحواره موجب می‌شود افراد بیش از حد بر سرکوبی احساسات درونی تاکید کنند و انتظارات و قوانین درونی شده‌ی مربوط به عملکرد و رفتار اخلاقی چنان سخت گیرانه دارند که مانع برقراری روابط صمیمانه، خوشحالی و آرامش فرد می‌شود. این طرحواره‌ها عبارتند از: منفی‌گرایی / بدبینی، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه / عیب جویی افراطی و تنبیه (کلوسکو، ویشار و یانگ، ۲۰۰۳). تداوم این طرحواره در بزرگسالی، فرد را از ایفای نقش مناسب خود و دیگران نا امید می‌کند.

به طور کلی نتایج نشان داد که آزمودنی‌ها در فرافکنی افکار خود بر موضوع ازدواج طرحواره‌های ناسازگار متعددی نشان داده‌اند. روی هم رفته تلقی از مرد به عنوان قدرت ما



فوق، و از زن به عنوان بازنده و از اقتضائات زندگی به عنوان عاملی طاقت فرسا برای زن، انتظارات غیر واقع بینانه (از خود و دیگری) و انتظار ویژگی‌های آرمانی از دیگری (بدون توجه به نقش خود) به رابطه آسیب می‌زند.

از آنجا که افزایش آگاهی از کلیشه سازی‌ها موجب تغییر در تصویرهای قالبی می‌شود، مشاوران ازدواج باید در مورد این طرحواره‌ها به مراجعان خود آگاهی دهند. بنابراین پیشنهاد می‌شود روان شناسان و مشاوران خانواده در مشاوره‌های پیش از ازدواج از این پرسش فرافکن بهره گرفته و بر طبق مقوله‌های طبقه بندی شده کلیشه سازی‌ها و آسیب‌های احتمالی را شناسایی و در مورد آن‌ها به مراجعان خود آگاهی‌ها و آموزش‌های لازم را بدهند. اگر چه هدف پژوهش کیفی شناخت پدیده‌ی مورد مطالعه است و تعمیم یافته‌ها نیست اما با وجود این لازم به ذکر است که این پژوهش بر دانشجویان مؤنث صورت گرفته و نمی‌توان نتایج آن را در مورد جامعه‌ی غیر دانشجویان و آقایان صائب دانست. لذا پیشنهاد می‌شود این بررسی بر آقایان و افراد غیر دانشجویان تکرار شود.

تشکر و قدردانی: محقق بر خود لازم می‌داند که از کلیه دانشجویانی که در این بررسی شرکت کرده‌اند، تشکر و قدردانی کند.

## منابع

احمدوند، محمد علی. (۱۳۸۳). تأثیر تحصیلات بر تغییر ساختار طرحواره‌های تبعیض جنسیتی. *ماهنامه‌ی علمی پژوهشی دانشور رفتار*. سال ۱۱ (۴) ۱۵-۲۴.

باستانی، سوسن؛ گلزاری، محمود و روشنی، شهره. (۱۳۸۹). طلاق عاطفی، علل و شرایط میانجی. *فصل‌نامه‌ی بررسی مسائل اجتماعی ایران*. شماره ۳ ص ۱-۲۰.

برنشتاین، فیلیپ، اچ. و برنشتاین، ماری، تی. (۱۳۷۷). *شناخت و درمان اختلاف‌های زناشویی*. (حمید رضا سهرابی مترجم). تهران: انتشارات رسا. (سال نشر اثر به زبان اصلی: ۱۹۸۹).

خسروی، زهره؛ سیف، سوسن؛ عالی، شهربانو. (۱۳۸۶). بررسی رابطه‌ی بین نوع فرایند طرحواره‌ای و نگرش به ازدواج. *فصلنامه‌ی پژوهش در سلامت روان شناختی*. دوره

- خمسه ای، اکرم . (۱۳۸۴). *روانشناسی زنان*. تهران: انتشارات آآگه - ارجمند.
- خمسه ای، اکرم. (۱۳۸۵). بررسی ارتباط میان رفتار جنسی و طرحواره‌های نقش جنسیتی در دو گروه از دانشجویان متأهل: مقایسه ی رفتار جنسی زنان و مردان در خانواده، *فصل نامه ی خانوادگی پژوهی*. ۲ (۸) ۳۲۷-۳۳۹.
- ذوالفقاری، مریم؛ فاتحی زاده، مریم؛ عابدی، محمد رضا. (۱۳۸۷). تعیین رابطه ی بین طرحواره های ناسازگار اولیه با ابعاد صمیمیت زناشویی زوجین شهر اصفهان. *فصل نامه خانواده پژوهی*. ۴ (۱۵) ۲۴۷-۲۶۱.
- سایت سازمان ثبت احوال کشور. [www.sabteahval.ir](http://www.sabteahval.ir)
- صلواتی، مژگان؛ یکه یزدان دوست، رخساره. (۱۳۸۹). *طرحواره درمانی*. تهران: نشر دانژه.
- فتحی آشتیانی، علی؛ احمدی، خدابخش. (۱۳۸۳). بررسی ازدواج های موفق و ناموفق در بین دانشجویان. *دو ماهنامه ی دانشور رفتار*. ۷ (۷) ۹-۱۶.
- محمدی، مرتضی. (۱۳۸۳). طلاق و سهم زن از زندگی. *نشریه ی علمی پژوهشی نامه ی مفید*. ۳۱-۶۰ (۴۳).
- یوسفی، رحیم؛ عابدین، علیرضا؛ تیرگری، عبد الحکیم و فتح آبادی، جلیل. (۱۳۸۹). اثر بخشی مداخله ی آموزش مبتنی بر مدل طرحواره ها در ارتقاء رضایت زناشویی زوجین. *مجله ی روان شناسی بالینی*. سال دوم، شماره ی ۳ (۷) ۲۵-۳۷.

- Allport, G. (1995). What is Personality. Available from: <http://www.intropsych.com/ch11-personality/what-is-personality>.
- Baucom, D. H. & Epstien, N. (1990). *Cognitive- Behavioral marital therapy*. New York: Brunner/ Mazel.
- Bem, S. L., (1981). Gender schema theory: A cognitive account of sex typing. *Psychological Review*, 88, 354-364.
- Bem, S. L. (1983). Gender schema theory and its implications for child development, *Sings*, 8, 598-616.
- Bem, S. L. (1984). Schema Theory. In T. B. Sonderegger (Ed.), *Nebraska Symposium on Motivation: Psychology and Gender, Vol. 32*. Lincoln : University of Nebraska Press.
- Crawford, M., Unger, R., (2004). *Women and gender: A feminist psychology*. New York: McGraw-Hill Companies.



- Kahn, J. S. (2009). *An introduction to masculinities*. United Kingdom: John Wiley & Sons Ltd.
- Ortlieb, E. & Cheek, E. H. (2012). *Using informative assessments towards literacy instruction*. Emerland Group
- Rafaeli, E.; Bernstein, D. P. ; Young, J. (2011). *Schema Therapy: The CBT Distinctive Features*. London: Routledge.
- Strong, B. & Chohen, T. (2013). *The marriage and family experience Intimate relationships in a changing society*. United kingdom: Cengage learning.
- Weeks, G. R. (1989). *Treating couples the internatinal model of the marriage council of philadelphia*. London: Routledge Taylor & Francis Group.
- Young J. E. , Klosko J. S. , Weishaar, M. E. ; (2003). *Schema therapy: a practitioner's guide*. New York: Guilford Press.